



سیدمحمدجواد طاهری

فرشته موسوی

ذکر شیخنا و خرخوننا دانشونما
(بقول الله تعاده)

تذکرة الدانش جو

آن کبی کار انظم که بود ماهه فخر آدم، آن کلک شیطونی پلا که فرستد استاد را دنبال نخود سیاه، آن مشتوری میدان انقلاب که هست دانشجوی تابه آن خدای پژوهش که هر صفحه را از یکی می‌رود کشی، آن نگارنده پایان‌نامه‌های ایکی که استناد موضوع می‌دهد همین‌سوری گئی، آن دانشونما که پس فردا مملکت را می‌دهد به فلان- شیخنا و دستسگاه تکثیریه دانشونما (بقرض الله‌سله)

وی در خالوده‌ای که در تاریخ ذکر نشده چووری بودند، متولد شد. ۱۲ سال فرس خورد و دود چراغ خور و تا بلکه برود دانشگاه و برای خودش حال کند. نرم یک به دو نرسیده فهمید نه تنها باید از خرم امتحان بدهد و از حال و حول خبری نیست، برای اینکه نفیقت باید تحقیق با بکند. کاخ آرزوهایش فلانت فراموش ریخت که ما میدان انقلاب آشنا شد. خوشبختانه موضوعاتی که استناد برای پژوهش‌ها ضرر نظر می‌گرفتند، قبلا شونیه باز توسط افراد دیگر انجام شده بود. کالی بود دانشجونمای مذکور خط کلاهوزار-م سبز، همان خط زرد زاروسار و ایستگاه میدان انقلاب پاده شده و به خیل عظیم تحقیق یوسان دست باید داد. تا وقتی شیخنا ثابت شده بود، بی تحقیق گرفته بود و با بقیه پولش می‌نوشت یا پیرانشکی شکلاتی بخرد جالبگیزناکت اینکه وی هوش تابل استوندهم می‌شد. در منابع تاریخی، دلیل آن خوشگل‌سازی پژوهش‌ها چون تر آن دوران استناد به زیبایی فضای اتاقشان اهمیت زیادی داده و خوششان می‌آمد. شیخنی در علوم مختلف از جمله زیست‌شناسی، شغری و رنگ‌شناسی شده که در این مقال نمی‌گنجد. مورد دانشیمی استاد شمه‌لایه کنیه پژوهش‌ها یک دونه صفائی صورتی یواش احتیاج داشته و نمزه کامل را سه پیش‌ترین صورتی داده است. خلاصه شیخنا دانشونما با تلاش‌های مذکور که جان را می‌فرسود، نوآست همه پله‌های ترفی را طی کند و بشود آنچه شد.

فیروزه کوهپای

نمی شود که رسم و رسومات را زیر پا گذاشت

قرص جوشان

شمار داشته است. فقط خان نه رسم بوده که همه مردهای کچل روستایشان هم پولدار باشند و هم چند شلوار داشته باشند. مارم هم می گفت من دختری به مرد چندشلواره نمیدهم. ریش کردیم. خوشگلتر بعدی وقتی آمد مادریزرگ مادر کرد. لنگز رخت هایی که با دست می شستند را به داخل لباسیوشی انداختند و آن روی دور تند گذاشتند. شیر آب را هم باز گذاشته بودند. سینی چای را برداشته نفس نفس کشیدم. رخت پریشتر ترین فرد خانواده باشند. در خانواده ما کردم. به سمت پذیرایی رفتم. پادم آمد به رخت ها گیره زدنم! شیر آبی که در معدام باز گذاشته بودند را هم نبستم. خلاصه با دلپهرو و قدم های نامنظم خودم را به مهمان ها رساندم به نظر خوب می رسیدند.

بعد از رفتن ششان پدرم گفت: همه چی خوب بود. فقط پیس یکم مشکوک بود. مارم به صورتش زد و گفت: خاک بر سرم مشکوک بود؟ با دم اندم مشکوک دختر نمیدم. همانطور که به خوشگلترهای گذشته فکر میکردم به سمت آشپزخانه رفتم تا ظرف ها را بشورم. اولین خوشگلترم یکس پر مویشیت قیلند بود به نظرم خوب بود ولی انگشتش اشاره دست چپش در یک حادثه قطع شده بود. مادر مادریزرگ بابا می گفت سر سفره عقد داماد باید انگشت اشاره دست چپش را درون غسل بزره برده و هفت دور، دور سفره بچرخد بعد از زیر کشش عروس خلوم انگشتش را در چشم خودش فرو کند. نمی‌شود که رسم و رسومات را زیر پا گذاشت برای همی، ریش کردیم.

خوشگلتر بعدی یک پسر چاقی و کچل بود به نظرم خوب بود ولی کچل بود. عمه پدر بزرگ مادر می گفت خان روستایشان کچل و پولدار بوده اما چندتا

شش طلا می ریختند تلفات زیاد داشته به سکه تبدیلش کردند. ریشم و رسومات را که نمی‌شود زیر پا گذاشت، ریش کردیم. خوشگلتر بعدی نواست یک باغ تالار بالای کوه مادوند پیدا کند و برای جالبیهای مهمان ها هواپیمای ریزرو کند برای همین ریش کردیم. آخرین عروسی است و قبل از رسیدن یایش به خانه ریش کردیم. با خوشگلتر بعد سر مهریه به توافق نرسیدیم، ما میگفتیم رسم داریم تعداد سکه، تعداد موهای پریشتر ترین فرد خانواده باشند. در خانواده ما کردم. به سمت پذیرایی رفتم. پادم آمد به رخت ها گیره زدنم! شیر آبی که در معدام باز گذاشته بودند را هم نبستم. خلاصه با دلپهرو و قدم های نامنظم خودم را به مهمان ها رساندم به نظر خوب می رسیدند.

بعد از رفتن ششان پدرم گفت: همه چی خوب بود. فقط پیس یکم مشکوک بود. مارم به صورتش زد و گفت: خاک بر سرم مشکوک بود؟ با دم اندم مشکوک دختر نمیدم. همانطور که به خوشگلترهای گذشته فکر میکردم به سمت آشپزخانه رفتم تا ظرف ها را بشورم. اولین خوشگلترم یکس پر مویشیت قیلند بود به نظرم خوب بود ولی انگشتش اشاره دست چپش در یک حادثه قطع شده بود. مادر مادریزرگ بابا می گفت سر سفره عقد داماد باید انگشت اشاره دست چپش را درون غسل بزره برده و هفت دور، دور سفره بچرخد بعد از زیر کشش عروس خلوم انگشتش را در چشم خودش فرو کند. نمی‌شود که رسم و رسومات را زیر پا گذاشت برای همی، ریش کردیم.

خوشگلتر بعدی یک پسر چاقی و کچل بود به نظرم خوب بود ولی کچل بود. عمه پدر بزرگ مادر می گفت خان روستایشان کچل و پولدار بوده اما چندتا



مهدی نظری

فاطمه جواهری

خودتان را از هوای دو نفره پاییز محروم نکنید!

یکی از اقلام سازندویج بیج است، واقعا لذت خورنش با فانتق و حتی با دست را با سازندویج عوض می‌کنید؟ دیگر برنج را که نمی‌شود لای سازندویج بریزید! خودتان را از خوردن سازندویج کتیف بازار محروم کنید که لذت و میکروبی که در آن هست در هیچ چیز نیست.

کمپین نه به غذای سلف سرویس

چون هابی هستند که بخاطر گران شدن مواد غذایی مثل گوچه، عروسی‌شان را عقب می‌اندازند. چرا؟ چون باید حتما در غذای سلف سرویس عروسی‌شان، یک دیس گوچه باشد! داندند ولی اصرار دارند ام همیشه می گفت رعایت رسم و رسومات کمکتا میکند که ما از جوش خوبی داشته باشیم. من همه رسم و رسومات را رعایت کردم فقط نمیدانم چرا هنوز از جوش نگردام!

دختره دختر سه بره هوا شیر آب و بند و فکر کن.

کمپین نه به خرید وسایل اضافه برای جهیزیه دخترهایی هستند که از صفر تا صد وسایلی موجود در بازار را برای جهیزیه‌شان میخرند بدون آنکه حتی کاربردش را بدانند. اما برای در آوردن چشم دخترخاله یا اقوام شوهر، این هارا حتما میخرند.

حتما مطلع هستید که چند وقتی است کمپین نه به خرید طلا برای ازدواج راه افتاده است زیر با گذاشت، ریش کردیم. خوشگلتر بعدی نواست یک باغ تالار بالای کوه مادوند پیدا کند و برای جالبیهای مهمان ها هواپیمای ریزرو کند برای همین ریش کردیم. آخرین عروسی است و قبل از رسیدن یایش به خانه ریش کردیم. با خوشگلتر بعد سر مهریه به توافق نرسیدیم، ما میگفتیم رسم داریم تعداد سکه، تعداد موهای پریشتر ترین فرد خانواده باشند. در خانواده ما کردم. به سمت پذیرایی رفتم. پادم آمد به رخت ها گیره زدنم! شیر آبی که در معدام باز گذاشته بودند را هم نبستم. خلاصه با دلپهرو و قدم های نامنظم خودم را به مهمان ها رساندم به نظر خوب می رسیدند.

کمپین نه به غذای سلف سرویس

چون هابی هستند که بخاطر گران شدن مواد غذایی مثل گوچه، عروسی‌شان را عقب می‌اندازند. چرا؟ چون باید حتما در غذای سلف سرویس عروسی‌شان، یک دیس گوچه باشد! داندند ولی اصرار دارند ام همیشه می گفت رعایت رسم و رسومات کمکتا میکند که ما از جوش خوبی داشته باشیم. من همه رسم و رسومات را رعایت کردم فقط نمیدانم چرا هنوز از جوش نگردام!

دختره دختر سه بره هوا شیر آب و بند و فکر کن.

کمپین نه به خرید وسایل اضافه برای جهیزیه دخترهایی هستند که از صفر تا صد وسایلی موجود در بازار را برای جهیزیه‌شان میخرند بدون آنکه حتی کاربردش را بدانند. اما برای در آوردن چشم دخترخاله یا اقوام شوهر، این هارا حتما میخرند.



مهدی نظری

شادی عسکری

زننده باد اصل غافلگیری!

از آنجا که مدت‌هاست هیچ اتفاق تازه‌ای در فرآیند تدارک و برگزاری عروسی‌ها رخ نمیدهد و این روزها شاهد آن هستیم که عروس و دامادها نه هر دری میزنند تا خود و عروسی‌شان خاص باشد، در اینجا به ارائه چند راهکار برای رسیدن به مراسم ازدواجی به دور از کلیشه و خلاف‌میهن‌سازیها.

۱. **پایتختی پیش از موعد**
اولین چیزی که در بروسه عروسی دیگر خیلی از صد افتاده این مراسم پایتختی‌ستا البته خودش نه، بلکه زمان برگزاری‌اش دیگر خیلی تکراری شده! اتفاق این که بعد از عروسی اقوام عروس و داماد تازه یادشان بیفتد کادو بدهند، آن هم فنان و ساعت دیواری و پارچ و لیوان خیلی لوس شده! شما میتونید ایده جدیدی پایتختی قبل از عروسی را اجرا کنید! اینگونه که هنگام دعوت هر مهمان به او اطلاع میدید که مراسم پایتختی روز قبل از عروسی در خانه مادر عروس برگزار شده و آدرس تالار هم در انتهای مهمانی به حاضران اعلام خواهد شد! این ایده در راستای انجام یک کار خلاقانه و نیز شناسایی فامیل‌های واقعی بسیار موثر و کاربردی‌ستا!

۲. **مهرزهای غافلگیری را به فاملسی سخت‌درنویسند!**
اگر وقت کرده باشید دیگر روش‌هایی مانند فرود آمدن با بالن یا هواپیمای

شخصی در وسط سالن یا عبور از میان آتش و آب و دود برای رسیدن به مهمانان حاضر در تالار این روزها به شدت دودستی شده اند و همه مشتاق ورود خلاف‌تر عروس و داماد هستند برای این منظور شما میتونید از یک شعبده باز دعوت کنید تا مثل خرگوش شما را از کلاهش دربیورد! یا اینکه بگویید شما را در کیک عروسی‌تان جاسازی کنند، یا در روز وسط عروسی وقتی مهمان‌ها مشغول پذیرایی از خود یا کیک هستند ناگهان شما را داخل آن پیدا میکنند و غافلگیر میشوند!

۳. **شایاش و دیگر هیچ!**
نمیتوان از قسمت‌های مهم و دیدنی شایاش دادن و شناسایش گرفتن در عروسی‌ها صرف نظر کرد اما با توجه به آمار بالای تلفات از جمله خفگی ناشی از ماندن زیر دست و یا به دلیل بوشش به سمت استکان‌های کف سالن لازم است در این رسم کهن نیز تجدید نظر شود. بنابراین به عنوان گزینه‌های جایگزین می‌توانید برای مراسم عروسی خود یک مسابقه بیست‌سوالی طراحی کرده و سپس به بردگان چواریز یا بصورت شایاش تقدیم کنید و یا برای اینکه همه مهمانان لذت گرفتن شایاش را تجربه کنند میتونید بر سر همه سکه‌های دوست‌تومی و بوندت‌تومی بریزید، هبر چند این روش هم ممکن است تلفاتی از ناحیه چشم و جال داشته باشد اما در عروس‌ها یادگاری‌ست و به همه خوش میگذرد!



سیدمحمدجواد طاهری

فرشته موسوی

ذکر شیخنا و خرخوننا دانشونما
(بقول الله تعاده)

تذکرة الدانش جو

آن کبی کار انظم که بود ماهه فخر آدم، آن کلک شیطونی پلا که فرستد استاد را دنبال نخود سیاه، آن مشتوری میدان انقلاب که هست دانشجوی تابه آن خدای پژوهش که هر صفحه را از یکی می‌رود کشی، آن نگارنده پایان‌نامه‌های ایکی که استناد موضوع می‌دهد همین‌سوری گئی، آن دانشونما که پس فردا مملکت را می‌دهد به فلان- شیخنا و دستسگاه تکثیریه دانشونما (بقرض الله‌سله)

وی در خالوده‌ای که در تاریخ ذکر نشده چووری بودند، متولد شد. ۱۲ سال فرس خورد و دود چراغ خور و تا بلکه برود دانشگاه و برای خودش حال کند. نرم یک به دو نرسیده فهمید نه تنها باید از خرم امتحان بدهد و از حال و حول خبری نیست، برای اینکه نفیقت باید تحقیق با بکند. کاخ آرزوهایش فلانت فراموش ریخت که ما میدان انقلاب آشنا شد. خوشبختانه موضوعاتی که استناد برای پژوهش‌ها ضرر نظر می‌گرفتند، قبلا شونیه باز توسط افراد دیگر انجام شده بود. کالی بود دانشجونمای مذکور خط کلاهوزار-م سبز، همان خط زرد زاروسار و ایستگاه میدان انقلاب پاده شده و به خیل عظیم تحقیق یوسان دست باید داد. تا وقتی شیخنا ثابت شده بود، بی تحقیق گرفته بود و با بقیه پولش می‌نوشت یا پیرانشکی شکلاتی بخرد جالبگیزناکت اینکه وی هوش تابل استوندهم می‌شد. در منابع تاریخی، دلیل آن خوشگل‌سازی پژوهش‌ها چون تر آن دوران استناد به زیبایی فضای اتاقشان اهمیت زیادی داده و خوششان می‌آمد. شیخنی در علوم مختلف از جمله زیست‌شناسی، شغری و رنگ‌شناسی شده که در این مقال نمی‌گنجد. مورد دانشیمی استاد شمه‌لایه کنیه پژوهش‌ها یک دونه صفائی صورتی یواش احتیاج داشته و نمزه کامل را سه پیش‌ترین صورتی داده است. خلاصه شیخنا دانشونما با تلاش‌های مذکور که جان را می‌فرسود، نوآست همه پله‌های ترفی را طی کند و بشود آنچه شد.

فاطمه سادات رضوی علوی

فشارم افتاد!

آخیش هم بیب بیب با قطع شد. هم تله موش را از انگشتانم کشیدند! چرا ملحفه سفید روی سرم می‌اندازند؟ من خویلم فقط این روز وقتی زوم کردی روی عکس ورزشگاه یکم فشارم افتاد، همین- ای باب!

دوشنبه
هی بابویی که تویبست زدی ۵۰۰ دوربین نصب کردند از تروس آمیت، یک بالک اینترکال طلبت! اینها ۵۰۰ بلند دالنی نصب کرده اند که صدای شعارهای ضبط شده بیست و دو بهمن را به ما قلاب کنند. اصلا همین رایونوس، کیفی فیفتی!

یکشنبه
کما نوشته های یک برانداز پس از یک رزمایش!

شنبه
تا مسووز چند دلازی از نان خوردن افتاده ام. تویبتهای فیواسنتر توی سرم ولوم میخورد و من اینجا کیه سکنه ام را گذاشتم. ام کلش لاقل یکی تویبست میزد این مصلحت‌زفر کنشته های قیام دی است که به روز آوردندش تا بگویند خیلی مستند

چهارشنبه
تغییر، ما خیلی هستیم!

پیروم ده‌پایه‌ای‌باد دوران جوانی بخیر- بنده این زمان که شیفته عیال شدم، تیمسار گفت دخترمو بگیر منم در عرض نصف اولامو میزنم به نامت. ولی به در موی غبر(اموال میگم) می آرزید به کل دارایی تیمسار!

پاینده-حنا-حفظشون که پدرجان-ان شاماله که به پای هم مومیایی بشن- هر هر

پیروم دستت در دلم تراز افیول فیوژناری بیچارم کسر- دور روز به ساز باید دلبر کوم برقم فیوژناری-

راننده زیر لبندلمر خدایر کجیدلر بامکم-

پدرجان، حالا کلاجشو دیدی؟ جدیدا دارن به قانونی تصویب میکنن به اسم «خوشت- بعال- خلاصه فیوژناریو بیخیال شو دیگه- اون براز ما بهتره- راستم میگن با این وضع هزینه‌ها ما بدبختا باید خودمون معلیم تا خوب شم-

حالا عیال شما که وضعت خوبه- به بنده خندلی تو فامیل ما غده سرطانیه اندازه کله صام داره- خاندون‌داشتم هم در به در دنبال دو دکتر- اونوقت این وسط آقایون وزیر وزرا نشستن سوار بورشه کابینشون خنجرانی میکنن که اونایی که باشنون بل گوره رو هلشن بدیم تو گور بلکه زودتر بعین به خون اضافی از سفره مملکت کم شه-

راننده رزم میخنده: پدر من، فعلا شما عنرا خلومو سفت بچسب که با این وضع بودم به قول جونا مرقوم تو دور جوج میزدم بر دن- همی جوانی کجایی که یادت بخیر!

راننده رزم میخنده: پدر من، فعلا شما عنرا خلومو سفت بچسب که با این وضع بودم به قول جونا مرقوم تو دور جوج میزدم بر دن- همی جوانی کجایی که یادت بخیر!

راننده رزم میخنده: پدر من، فعلا شما عنرا خلومو سفت بچسب که با این وضع بودم به قول جونا مرقوم تو دور جوج میزدم بر دن- همی جوانی کجایی که یادت بخیر!

فاطمه سادات رضوی علوی

کتاب گاوخوان!

چرا بالای سرم نوشته سکنه مغزی؟ من آن لحظه کمی فشارم افتاد! سارا هم عوض اینکه صدای بیب بیب دستگاه را کم کند، تویبست های تالم لاین را میخواند و عر میزند. ظرفت موزمان هم عینوهو لاغ درباری که یک جوبارش نکرده باشند، جفتک اندازد و تمیککارد یک تویبست مشتیی بزیم.

گفتم ای ندادن نمودی اشتباه گاو که پیلان اسداره قاه قاه!

گفتم ای ندادن نمودی اشتباه گاو که پیلان اسداره قاه قاه!

گفت از این‌رواست بس پیوده گاو کی تو دیدی او بخواند یک کتاب!

زود افزوده اصل مطلب را بگیر ورنه قایم‌ست شیر و شیر و شیر

گفتم ای بابا زانم دوختی پیش از این صحبت به گل اندوختی

نسخه بدل، پیش از ظرفیم آموختی!

من جکلر قایمه دارم عمو بازگرد و اصل مطلب را بگو

خر چه شد؟ پیلان او را بافتی؟ راستی، زنجیر منا را بافتی؟

کلیه‌های تیمسار

آردی او ادایونه جان جان هویات لیریزم- دیونه جان-بی تو قطعاً پاییزم- دیونه جان-! پیروم: دیونه هفت جنو ایاتنه- مردک-

راننده: پدر جان- شما به دل نگیر- این منظورش از دیونه اون دختر بدبخته که عاشقش شده- همه چیز شده جنگولک بازی- بیخود نیست میونه دیونه جو دیونه ببیند خوشش آید-

زن: ای اقلوبغه هم ملتو دیونه کردن- تو این گیرودار دلار و ارزو کوفت و زهرمار بیان برات لستو شو شه پیش کن؟

فهیبه انوری

دلک ماهی

چون نیست بجز مسیر دریا راهی بسین خزنها بیب مخفیکاهسی ای عامل خنده جهان، با مایو بدخور شدی ششیه دلک‌مامی

منا کودزی

پایان‌نامه‌های مجلسی

جدل شیک و مجلسی، فونت درست جنس آن انگلیز است از رو و پشت کل پایان‌نامه‌ها بیست کند- آمد ناغلا این فیس تو ما را که کشت

امیر معطی

بازم مدرسم دیر شد!

هی پرت نکن به خود حواسم را بگذارد به تن کنم لباسم را ای تخت ششورا ای پشوی بدنا از من تو گرفتاری کلامم را-

محمد یاسین اسدی

زندگانی سیمی‌آم طی شد بر سر عاشقی کیم جونگ اون

جز خودم نیست جای قایق در بندر عاشقی کیم جونگ اون

خودگی، خوندنی و دعوتی‌ست آخر عاشقی کیم جونگ اون

تابگهان کند ریشه من را نگیر عاشقی کیم جونگ اون

گفت ملایبا که لغنت بر پسر عاشقی کیم جونگ اون

دور جوسان نوشتت بنا دیوار خطر عاشقی کیم جونگ اون

جز من خر، کسی نخواهد داشت جگر عاشقی کیم جونگ اون

می‌شود عاقبت تو تا بچه نمر عاشقی کیم جونگ اون

با ما بتامیاد!

دیر سروس، عزت‌زهار افراشی
دیر سروس، کارتون: کامران باری
مدیر فنی: امیرحسن محمدپور
صفحه بندی: مجتبی سلالی

دوره آموزشی
کار با دستگاه چاپ افکاره
با ما بتامیاد!